پیامبر نور و رحمت از زبان دوست و دشمن

۷ دی ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۵۰

وقتی خداوند فرستاده اش محمد(ص) را به نیکی وصف می کند و دشمنانش نیز همین را می گویند.

برگزیده ای از سخنان آیت الله سید رضا صدر درباره پیامبر اسلام(ص) را از کتاب «راه محمد» به مناسبت میلاد ایشان در ادامه می خوانید. انسان بی نظیر

بهترین راه برای شناخت انسان‌های بزرگ دانستن سخنان دوستان و دشمنان آن‌هاست. نظریات این دو گروه، نزدیک‌ترین راه برای پی‌بردن به اخلاق و افکار و مقاصد درونی آن‌هاست که چگونه کسی هستند، خیرخواه و خدمت‌گزار، یا عوام فریب و ریاکار؟

دوستان به طور کلی ستایشگرند و دشمنان بدگو و نکوهشگر. سخنان این دو دسته که روی هم جمع شود حقیقت حال آن فرد روشن می گردد.

اعمال و رفتار افراد را نمی‌توان صددرصد وسیلهٔ شناخت آن‌ها قرار داد که به چه منظوری انجام داده‌اند. گل‌فروش خود را در خدمت گل قرار می‌دهد تا از فروش آن سودی برد، او را نمی‌توان خدمتگزار گل خواند، چون خدمت گل وسیله است نه هدف. خدمات رهبران قوم، وقتی ارزش دارد که هدف باشد نه وسیله برای تحکیم موقعیت و جلب افکار عمومی.

آنچه که شناخت انسان‌های بزرگ را آسان می سازد آن است که همگان در چهارچوب دوستی و دشمنی قرار داشته‌اند؛ چون محال است کسی که تأثیری در اجتماع داشته و تحولی در حیات قومی ایجاد کرده، دشمن نداشته باشد، بسیاری از کار او زیان دیده هستند و یا از سود محروم گردیده‌اند و لب به بدگویی می‌گشایند.

دوستان، این انسان‌ها را در مقامی عالی قرار می‌دهند و برای آن‌ها فضایلی می‌سرایند. دشمنان آنان را در حضیض درندگی و حرص و جاه طلبی قرار می‌دهند. در میان انسان‌های بزرگ، کسی‌را نخواهید یافت که هر دو گروه دوستان و دشمنان اعتراف به رادمردی و بزرگواری و خیرخواهی او کنند. اگر چنین کسی یافت شود که هر دو گروه به فضیلت و شرافت و کمال انسانیتش اعتراف داشته باشند به یقین انسانی بی نظیر خواهد بود که در میان مردان بزرگ ، مثل و مانند نخواهد داشت. در تاریخ انسانیت تنها کسی که دارای چنین مقامی عالی بوده محمد صلی الله علیه و اله و السلم است و بس.

حضرتش از دشمنانی خونی و خطرناک برخوردار بوده و از طرفی دوستانی ارجمند و پیروانی بزرگوار و فداکار نیز داشته است، اما هر دو گروه اعتراف به فضیلت و رادمردی و شرافت و قداستش کرده اند.

دشمنان خواستند حضرتش را بکوبند و دعوتش را بی ارزش جلوه دهند، ولی نقطه ضعفی در او نیافتند که بدان توسل جویند، تهمت سحر و جنون به آن حضرت زدند! و این خود بزرگ‌ترین سند و گواه برای سخن ماست.

دشمنان خطرناکی که عازم بر کشتن آن حضرت بودند، خود امانت‌های گران‌بهای خویش را نزد آن حضرت امانت می‌گذراند تا از دستبرد محفوظ بماند. حضرتش را "امین" لقب دادند و چنین لقبی در تاریخ قریش بی‌سابقه بوده و به کسی داده نشده است. چنان که از نظر خاندان و نیاکان نیز همگان به تقوا و پاکیزگی و شرافت پدرانش اعتراف کرده‌اند.

اینک شایسته است سخنان هر دو گروه را ملاحظه کنیم. نخست به زبان دوست نظر می‌اندازیم تا شناخت محقق شود.

از زبان دوست/ سخن خدا

* سوره قلم آیات ۱ تا ۴

قسم به نون، قسم به قلم، قسم به آنچه می‌نویسند. تو به عنایت پروردگارت دیوانه نیستی و پاداشی بزرگ در انتظار تو است و خلقی خوش و عظیم داری ...

آیهٔ کریمه مشتمل به سه قسمت است و خدا برای هر سه قَسَم خورده است. بخش سلبی این آیه، نفی جنون از رسول خداست؛ چون مشرکان حضرتش را دیوانه خواندند. و بخش ایجابی آن این است که:

الف) خدا خبر می‌دهد که پیغمبرش خلقی خوش و نامتناهی دارد.

این دو شهادت از سوی خدا دربارهٔ پیغمبر خاتم، می رساند که حضرتش برترین انسان و بی نظیر است؛ چون قوام انسانیت به دو چیز است:
۱. عقل و خرد که به شهادت حضرت حق، رسول خدا دارنده آن است و نفی ضد، اثبات ضد می‌کند، اختیار تعبیر نفی شاید برای تکذیب تهمت مشرکان بوده است.
۲. خلق خوش که خدایش از آن به خُلق عظیم تعبیر فرموده است.

ب) خدا به پیغمبرش مژده می دهد که پاداشی بزرگ برای اوست.

* سوره نجم آیات ۱ تا ۴

قسم به ستاره ای که می تابد، پیشوای شما گمراه و منحرف نیست و از روی خواهش دل سخن نمی گوید. آنچه می گوید وحی است و بس.

بیان آیه کریمه مشتمل بر دو بخش است که هر دو به وسیله قسم تأکید شده است. بخش سلبی آیه نفی گمراهی و انحراف از پیغمبر و نفی سخن از خواهش دل است.

بخش ایجابی آیهٔ کریمه، شهادت حضرت حق است به پیامبری رسولش؛ چون پیامبر کسی است که گمراه و منحرف نباشد و به خواسته خودش دعوت نکند و آنچه گوید و آنچه فرمان دهد وحی باشد و بس، مانند ذکر لازم و ارادهٔ ملزوم.

* سوره آل عمران آیه ۱۵۹

به سبب رحمت الهی با این مردم نرم شدی و اگر بدخو و سنگدل بودی، مردم از دور تو پراکنده می شدند، پس از خطاهایشان بگذر و برای آنها آمرزش بخواه و با ایشان مشاوره کن، و وقتی که تصمیم گرفتی توکل بر خدا کن، خدا توکل کنندگان را دوست می‌دارد.

فرستنده محمد درباره اش چنین می‌گوید: محمد خوش خو و مهربان است، تندخو و سنگدل نیست، کینه ندارد، انتقام نمی کشد. انسان بی نظیر چنین است: برترین است و بهترین. او کسی است که دشمنان و آزاردهندگانش را عفو می کند، گناهانشان را می بخشد. و از خدایش برای گناه آن‌ها طلب آمرزش می‌کند و شفیع آن‌ها می‌شود و با ایشان مشورت می‌کند، ولکن هنگامی که تصمیم گرفت، تصمیمش خلل ناپذیر است. حضرتش نسبت به دشمنان مهربان است و برای آنها احترام قائل است. وقتی که تصمیم گرفت توکل بر خدا می‌کند و خدا متوکلان را دوست می‌دارد. پس خدا محمد را دوست می‌دارد، هر چند ابوجهل‌ها او را دشمن بدارند.

* سوره توبه آیه ۶۱

گروهی پیغمبر را با زبان می آزارند و می گویند: او گوش است! بگو: او برای شما گوش خیر و نیکبختی است، ایمان به خدا دارد و به ایمان مؤمنان یقین دارد، حضرتش سراپا برای مؤمنان مهر است و رحمت.

خطبا و سخنوران، کمتر قدرت بر گوش دادن سخنان دگران دارند، ولی پیامبر رحمت که سخنورترین بود، به قدری به سخنان دگران گوش می‌داد که دشمنان براو خرده گرفتند و گفتند: او گوش است! و کاری از او ساخته نیست. و از این گونه آزارها دریغ نکردند.

خدایش می فرماید: «گوش بودن او به سود شماست چنان که سخنان او به سود شماست.» تضاد صفاتی که در پیغمبر خاتم جمع بوده، هر دو ضدّش به سود مردم بوده، سخن گفتن و گوش دادن.

* سوره فاطر آیه ۸

عفو و بخشایش پیشه کن، به نیکی راهنما باش و از نادان ها بپرهیز.

قاضی عیاض در کتاب شفا می‌گوید: هنگامی که این آیه نازل شد، رسول خدا از جبرئیل پرسید: «تأویل این آیه چیست؟» جبرئیل عرضی کرد: باید بروم از دانا بپرسیم. جبرئیل رفت و بازگشت و عرض کرد: خدا به تو چنین امر می‌کند: «کسی که از تو برید تو از او مبر و کسی که تو را محروم ساخت تو محرومش مکن، و آن که به تو ستم کرد تو از او بگذری»" پیغمبر خاتم نیز اطاعت کرد و مطیع‌تر از او نسبت به امر الهی کسی نیست.

* سوره احزاب آیه ۲۱

برای آن‌ها غم مخور؛ خدا می‌داند آن‌ها چه می‌کنند.

مهر همگانی و رحمۀ للعالمین بودن پیغمبر رحمت، اقتضا می‌کرد که از رفتار کافران و گنهکاران غمگین شود و دلش به حال آن‌ها بسوزد. خدایش بدین‌وسیله از پیغمبر دلسوزش دلجویی می‌کند و تسلیش می‌دهد. آیه کریمه، مهر نامتناهی الهی را نسبت به پیامبرش به ما خبر می‌دهد، خدایش نمی‌خواهد که پیغمبرش از این جهت غمگین باشد. آیۀ کریمه نیز مهر رسول خدا را بر کافران و گنهکاران می رساند.

از زبان دشمن

سخن ابوسفیان رهبر مشرکان و سپاه کفر در جنگ‌های بدر و احد و احزاب را نزد هِرقِل (هراکلیوس) پادشاه روم می‌آوریم.

این سخنان را ابوسفیان با پادشاه روم در زمان کفرش گفته است. شهریار روم به سرزمین شام آمد تا به شکرانهٔ پیروزی بر شاه ایران بیت المقدس را زیارت کند. در آن وقت، ابوسفیان با چند تن از سران قریش برای تجارت به شام رفته بودند. قیصر روم از بودن آن‌ها آگاه شد، به سراغشان فرستاد. ابوسفیان و همراهانش نزد شهریار فاتح روم حاضر شدند.

قیصر از ابوسفیان پرسید: این پیغمبری که در مکه ظهور کرده و دعوی پیغمبری دارد با تو چه خویشی دارد؟

ابوسفیان گفت: پسرعموی من است.

قیصر رهبر شرک را نزد خود خواند و رو به روی خود نشانیدش و همراهانش را گفت: پشت سرش بنشینید و به آن‌ها گفت می‌خواهم درباره این پیغمبر از او پرسش‌هایی کنم، اگر دروغ پاسخ داد شما بگویید دروغ می‌گوید.

- سپس هرقل از ابوسفیان پرسید: نسب و خاندان این پیغمبر چگونه است؟

- بسیار خوب است.

- آیا پیش از او کسی از این خاندان دعوی پیغمبری کرده است؟

- نه

- شما پیش از این از او دروغی شنیده بودید؟

- نه.

- آیا در میان پدرانش پادشاهانی وجود داشته‌اند؟

- نه.

- گروندگان به او بیشتر توانگران هستند یا بینوایان؟

- بینوایان.

- پیروانش رو به افزایش هستند یا رو به کاهش؟

- رو به افزایش.

- آیا در میان پیروانش کسی به او پشت کرد و مرتد شده است؟

- نه

- آیا شما با او جنگیده‌اید؟

- آری.

- پیروز بوده‌اید و یا شکست خورده‌اید؟

- گاه پیروزی وگاه شکست.

- شما را به چه چیز دعوت کرده است؟

- ما را به خدای یگانه دعوت کرده که برای او شریکی قرار ندهیم و ما را از پیروی پدرانمان در پرستش بت‌ها نهی می‌کند و به نماز و راستی و درستی و عفت و وفای به عهد و پیمان و ادای امانت می‌خواند.

- آنگاه قیصر به مترجمش گفت: به او بگو:

از پرسش‌هایی که جواب دادی دانستم که او دروغگو نیست و به خدا دروغ نمی‌بندد و در فرستاده شدنش از سوی خدا راستگوست چنین می‌بینم که در آینده خاک شام را تسخیر خواهد کرد. اگر می‌توانستم نزد او می‌رفتم و اگر خدمتش می‌رسیدم قدم‌هایش را می‌شستم.

آنچه که ابوسفیان در برابر پرسش‌های پادشاه روم گفته بود نه تنها نظر شخصی او بود که نظر همراهانش نیز بود. چون هرقل به آن‌ها گفته بود: اگر ابوسفیان به من دروغ گفت، شما تکذیبش کنید.

بلکه نظر عموم سران قریش نیز بود که خطرناک‌ترین دشمنانش بودند. چنان که کلمه‌ای از آن‌ها برخلاف این پاسخ‌ها نقل نشده است، در حالی که تاریخ بسیاری از جزئیات رفتار و گفتار آن‌ها را برای ما حکایت می‌کند.

منبع: خبرآنلاین

آدرس مطلب :
https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۲۷۶/پیامبر-نور-رحمت-زبان-دوست-دشمن